



ریاضیات به درد بخور، ریاضیات به درد نخور!

از خیلی وقت پیش، یعنی از همان سنین نوجوانی که هم‌سن‌وسال شما بودم، از درس ریاضی خوشم می‌آمد؛ از حل کردن مسئله‌ها، از ساده کردن عبارات‌های طولانی جبری، از نوشتن تقسیم‌های عددهای بزرگ بر یکدیگر و بعد بررسی درستی تک‌تک مراحل محاسبه، و از نظم و ارتباط منطقی که در درس‌های هندسه می‌دیدم. اما از همان زمان و البته بعدتر - وقتی خودم معلم ریاضی شدم - از دوستان - یا از شاگردانم - این سؤال را می‌شنیدم و می‌شنوم که:

«اصلاً این ریاضیات به چه درد می‌خورد؟»

من ریاضیات را دوست داشتم، فارغ از اینکه به این موضوع فکر کنم که به چه دردی می‌خورد. ولی برای دوستان من و برای شاگردانم مهم بوده و هست که بدانند، ریاضیاتی که خودشان یا فرزندان‌شان در مدرسه می‌خوانند، موضوع به درد بخوری است و تلاشی که برای یادگیری آن می‌شود، به هر حال ارزش خود را دارد. نمی‌دانم پاسخ شما به این سؤال چیست، ولی من پاسخی‌هایی مانند این‌ها را زیاد شنیده‌ام:

« ریاضیات به هیچ دردی نمی‌خورد! » « ریاضیات فقط به درد کم شدن معدل و نمره‌ها می‌خورد! » « ریاضیات ذهن را باز می‌کند. » « هر کس ریاضیات بخواند، در زندگی موفق‌تر است! » « ریاضیات اختراع معلم‌هاست برای اینکه با تکالیف آن، وقت دانش‌آموزان را پر کنند! » و ... شاید برای کسانی که چنین پاسخی‌هایی می‌دهند، تجربه‌ای جز این‌ها وجود نداشته است که بتوانند غیر احساسی‌تر و علمی‌تر به این سؤال پاسخ دهند. به نظر من برای یافتن پاسخ قانع‌کننده، شاید بهتر باشد اول برای خودمان مشخص کنیم که منظورمان از «به‌درد بخور بودن» چیست تا بهتر بتوانیم دربارهٔ ریاضیاتی که در مدرسه باید یاد بگیریم، تعیین تکلیف کنیم! دم‌دستی‌ترین تعریف از «به‌درد بخور بودن» می‌تواند این باشد که مستقیماً در زندگی خودمان یا اطرافیانمان به کار برود. برای اینکه بتوانیم با این ملاک، به‌درد بخور بودن ریاضیاتی را که در مدرسه خوانده‌ایم، بررسی کنیم، باید با دقت بیشتری به کارها و اطرافمان نگاه کنیم. بعضی از کارهایی که خودمان یا آدم‌های اطرافمان - که حاصل کار آن‌ها مورد استفادهٔ ما قرار می‌گیرد - انجام می‌دهند، ماهیت ریاضی دارد؛ از همان ریاضیاتی که این هفت هشت سال در مدرسه خوانده‌اید. بناها، نجارها، آشپزها، خیاطها و خیلی‌های دیگر، در کارشان از ریاضی استفاده می‌کنند، ولی شاید آن‌قدر کارهایشان را عادی و به‌صورت روزمره انجام می‌دهند که در نگاه اول متوجه نمی‌شویم دارند از ریاضیات استفاده می‌کنند. حتی خود شما هم در کارهایی مثل مدیریت پول توجیبی‌تان، یا تصمیم‌گیری برای پس‌انداز پول‌هایتان، یا خرید کردن یا کارهایی از این دست، می‌توانید از ریاضیات مدرسه‌ای‌تان استفاده کنید. ما در مجلهٔ رشد برهان متوسطهٔ اول تلاش می‌کنیم همین جنبه‌های ساده و دم‌دستی از کاربردهای ریاضیات را در اطراف یا زندگی روزمرهٔ شما، در مطالب ستون «ریاضیات و کاربرد» تا حد امکان با بیان ساده آشکار کنیم و جنبه‌های پیدا و پنهان از ریاضیات را که در مشاغل، در اقتصاد خانواده و در اشیای اطراف، مثل کاشی‌کاری‌های هندسی وجود دارند، نشان دهیم. امیدوارم پس از خواندن این مطالب شما هم بتوانید پاسخ مناسبی به این سؤال بدهید که: «ریاضیات به چه درد می‌خورد؟»

سردبیر

